

## دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۱۴، دعوت به هوشیاری، فیلیپیان ۳: ۱-۶

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو و مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان هستم. این جلسه ۱۴، دعوت به هوشیاری، فیلیپیان ۳: ۱-۶ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس ما در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید. ما تاکنون به فیلیپیان پرداخته‌ایم و امیدوارم که شما این سخنرانی را به دقت دنبال کنید.

می‌خواهم از جایی که سخنرانی قبلی‌مان را تمام کردیم، ادامه دهم. در ادامه به بحث در مورد چگونگی به کار بردن نجات خود با ترس و لرز پرداختیم، با عنوان اصلی که آن را «درخواست برای درخشش» نامیدم. به یاد دارید که من به شما در مورد دستورالعمل پولس برای به کار بردن نجات خود با ترس و لرز یادآوری کردم و اینکه چگونه او این چارچوب را بر اساس آنچه قبلاً در مورد مسیح گفته بود، بنا کرد، به طوری که کلیسا و آن ویژگی را انتخاب کند و با آن زندگی کند.

در طول آموزش، او نکات واضحی را بیان می‌کند و از آنها می‌خواهد که در مورد رفتار خود فکر کنند و به گونه‌ای رفتار کنند که خدا را جلال دهد. من توجه شما را به آیه ۱۵ جلب کردم که برای من شخصاً آیه بسیار جالبی است. این آیه از کلیسا می‌خواهد که سعی کند خود را در این دنیای شرور و منحرف بی‌عیب و نقص نشان دهد. و سپس، اگر به یاد داشته باشید، در اواخر سخنرانی قبلی، توجه شما را به این نکته جلب کردم که چگونه پولس دو مثال را مطرح کرد که نشانه‌ای از اطاعت برای تقلید کلیسا نیز بوده‌اند.

من در مورد تیموتائوس با شما صحبت کردم و اپافرودیتوس را به شما معرفی کردم. در مورد تیموتائوس، این واقعیت را برجسته کردم که چیزی که معمولاً هنگام فکر کردن به پولس از آن غافل می‌شویم، توانایی بزرگ پولس در جذب همکارانش و بیان واضح ویژگی‌هایی است که ستودنی و شایسته ذکر برای افرادی هستند که برایشان می‌نویسد. چیزی که من شخصاً روی آن کار می‌کنم این است که سعی کنم بخشی از زندگی‌ام شود که بتوانم مردم را مشاهده کنم و آنها را ستوده باشم، زیرا دنیا بیش از حد منفی است.

مردم دوست دارند درباره همه چیزهای منفی صحبت کنند. حالا بیایید با دقت بیشتری به آنچه پولس در مورد مثال دوم، جدا از تیموتائوس، که در پایان فصل ۲ از او با نام اپافرودیتوس نام می‌برد، می‌گویید، نگاه کنیم. ما سخنرانی قبلی را با نشان دادن این نمودار به شما به پایان رساندیم که نشان می‌دهد اپافرودیتوس در این سه حوزه کلیدی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

رفاقت در خدمت، سلامتی یک سرباز زخمی و پذیرایی از یک سرباز در حال بازگشت. شاید پرسید که ایده این سرباز چیست. خب، این ایده من نیست زیرا خود پولس از زبان نظامی استفاده می‌کند و حتی وقتی در طول این سخنرانی به فصل ۳ برویم، خواهید دید که پولس چگونه به استفاده از زبان نظامی و زبان ورزشی علاقه‌مند است تا بتواند منظور خود را برساند. اپافرودیتوس سخت تلاش کرده است.

او زندگی خود را به خطر انداخته است. او با زندگی خود قمار کرده است تا کاری را که خدا او را به انجام آن فرا می‌خواند، انجام دهد. به عبارت دیگر، او همه این کارها را در اطاعت از مسیح انجام داد.

بیایید به رفاقت در خدمت نگاهی بیندازیم. شاید قبل از اینکه به جزئیات بیشتری بپردازیم، باید این بخش از آیه ۲۵ از فصل ۲ را بخوانم. لازم دانستم که اپافرودیتوس، برادر و همکار و هم‌رزمن، و رسول و خادم

، شما برای رفع نیاز من، را نزد شما بفرستم، زیرا او مشتاق همه شما بوده و از اینکه شنیده‌اید بیمار است، اندوهگین شده است. در واقع، او بیمار و نزدیک به مرگ بود، اما خدا به او رحم کرد و نه تنها به او، بلکه به من نیز رحم کرد تا مبادا غمی بر غم من افزوده شود.

من مشتاق‌ترم که او را بفرستم تا شما از دیدن دوباره‌اش شاد شوید و من کمتر نگران باشم. پس او را در خداوند با کمال شادی بپذیرید و چنین مردی را گرامی بدارید، زیرا او نزدیک بود برای کار مسیح بمیرد و جان خود را به خطر انداخت تا آنچه را که در خدمت شما به من کم بود، تکمیل کند. پولس این ویژگی‌های این مرد را که فکر می‌کنیم حامل نامه به کلیسای فیلیپی خواهد بود، شرح خواهد داد.

، پولس با بیان این رفاقت نشان می‌دهد که اپافرودیتوس یک برادر است. حال، می‌خواهم شما را متقاعد کنم و امیدوارم در طول این سخنرانی شما نیز متقاعد شده باشید که زبان خویشاوندی بخش مهمی از چگونگی تعیین چارچوب روابط مسیحی توسط پولس است. برادر خطاب کردن او به این معنی نیست که آنها خواهر و برادر خونی هستند، بلکه این زبان برای نشان دادن ارتباط متقابل آنها به عنوان فرزندان خدا استفاده می‌شود.

، اگر سخنرانی قبلی را به خاطر داشته باشید، در ابتدای سخنرانی در مورد فیلیپیان به فرزندان خدا اشاره کرد. خدا پدر است. پولس می‌گوید اپافرودیتوس یک برادر است. او برای من عزیز است.

نه تنها این، بلکه او یک همکار است. او پا به پای من کار کرد. او خیلی نزدیک با من کار کرد.

پولس می‌خواست کلیسای فیلیپی، اپافرودیتوس را به خوبی بشناسد و به زودی او را با نامه‌ای از پولس ببیند که در آن آمده بود این مرد وقتی به روم آمده تنبل نبوده است. او دوشادوش پولس کار کرده است. پولس او را صدا زد. ما نمی‌دانیم که آیا بخش زیادی از این تجربه قبل از زندانی شدنش بوده است یا خیر، اما پولس او را یک سرباز همکار می‌نامد.

وای، این حرف پولس جالبه، مگه نه؟ چون اینها از کارهایی هستن که پولس دوست داشت انجام بده. پولس دوست داشت کارش رو مثل یه سرباز ببینه که برای آرمان مسیح می‌جنگه. نه به اون معنایی که ما از جنگ‌های صلیبی می‌فهمیم، نه به این معنی که انجیل رو به سر مردم بکوبه، اما آگه یادتون باشه، مثلاً در افسسیان، اون در مورد نبردی صحبت می‌کنه که یه نبرد معنویه.

پولس با دوستانش در ارتباط است، پیام مسیح را علیرغم همه مشکلات ابلاغ می‌کند و برای شناساندن انجیل تلاش و کوشش می‌کند. اپافرودیتوس در آن جبهه نبرد، سربازی همکار بود. او یک رسول و پیام‌آور بود.

او کسی بود که کلیسا برای کمک به پولس به روم فرستاده بود. پولس اذعان می‌کند که در واقع، او وظیفه خود را انجام داده است. او با تبدیل شدن به یک دستیار مذهبی وفادار برای پولس، وظیفه خود را انجام داده است.

او یک رفیق است. او رفیقی است در مبارزه برای شناساندن مسیح در دنیای کج و تاریک فیلیپی و بقیه امپراتوری روم. اپافرودیتوس، پولس از سلامتی او یاد می‌کند، و پولس در واقع سلامتی او را در تصویر یک سرباز زخمی توضیح می‌دهد.

بگذارید توجه شما را به چند نکته جلب کنم. پولس از نگرانی آنها پریشان است. خود اپافرودیتوس در واقع پریشان است و مردم بسیار نگران سلامتی او هستند.

بعداً درباره وضعیت سلامتی او بیشتر برایتان خواهم گفت. پاول می گوید بیماری او آنقدر شدید بود که نزدیک بود بمیرد. اگر در ایالات متحده زندگی می کنید، شاید شنیدن این موضوع برایتان مهم نباشد.

شاید فقط به یک بیماری کشنده فکر کنید، اما این بار در امپراتوری روم، این می تواند یکی از بیماری های اساسی باشد که به راحتی قابل درمان هستند اما همچنان می توانند او را بکشند. آن مرد تقریباً تا سر حد مرگ رنج برد و تسلیم نشد. او جان خود را به خطر انداخت تا وظیفه تعیین شده ای را که از او می خواستند با پولس انجام دهد، به پایان برساند.

او تسلیم نمی شد. او فردی بود که با اراده ای راسخ، حتی تا جایی که جاننش در خطر بود، به انجام آنچه خدا او را به آن فرا می خواند، پایبند بود. او تسلیم نمی شد.

یادتان هست وقتی درباره داستان مسیح به عنوان یک الگو صحبت کردیم؟ پولس می خواست آنها بدانند که اپافرودیتوس نیز یک الگو است. مسیح آماده بود تا پای صلیب برود. اپافرودیتوس از جان خود دریغ نکرد.

او حاضر بود از هر چیزی، حتی اگر به معنای مرگ باشد، بگذرد تا از آنچه خدا او را به انجام آن فراخوانده است - خدمت در کنار پولس در خط مقدم خدمت - اطاعت کند. و پولس می گوید که خدا به او رحم کرد.

ببخشید که داستان های شخصی زیادی را با شما به اشتراک گذاشتم. من در یک روستای کوچک در غنا بزرگ شدم. روستای من ۱۷ مایل (۲۷ کیلومتر) با شما فاصله داشت.

نزدیک ترین بیمارستان به روستای من ۱۷ مایل فاصله داشت. با زندگی در اروپا و ایالات متحده، به خصوص در ایالات متحده، چیزی که شما کلینیک می نامید معادل چیزی است که من در آن زمان بیمارستان می نامیدم. سیستم بهداشت و درمان تا این حد ضعیف بود.

اگر کسی در روستای من بیمار بود، گاهی اوقات اگر ما را نیش می زد، ممکن بود قبل از رسیدن به بیمارستان بمیرد. تا حدودی به این دلیل که وسیله حمل و نقل وجود نداشت و در آن زمان، جاده ها هم بد بودند. خوشبختانه، جاده ها الان خوب هستند و شهر روشن است.

مبلغان مسیحی و کارگران مسیحی در این خط مقدم رنج زیادی می کشند. با فرصت های گاه به گاه که برای خدمت در آنجا دارم، مجبور شدم با افرادی که در شرایط سختی هستند تماس بگیرم و آنها فقط یک انتخاب دارند. برای کمک با جادوگر محلی تماس بگیرند، یا منتظر بمانند و بمیرند.

دومین گزینه نادر این است که کنار جاده منتظر بمانید و امیدوار باشید که وسیله نقلیه ای از آن طرف بیاید تا به سمت بیمارستان بروید و بتوانید بروید و تحت درمان قرار بگیرید. مسیحیان روستای من معتقدند که اگر خدا به بیماران هنگام دعا رحم نکند، می تواند برای آن بت پرستان و پزشکان جادوگر مسخره آمیز باشد که خود خدا هم کمکی نمی کند. شاید حالا متوجه شده باشید که چرا من اینقدر به کارم با مسیح علاقه مند هستم.

اپافرودیتوس، کارکنان خط مقدم. اپافرودیتوس در قرن اول در روم بیمار بود. یک زیارتگاه معروف یا مکانی برای درمان، زیارتگاه آسکلپیوس است.

ممکن است در سیستم، پزشکان قلبی داشته باشید، اما صرف نظر از وضعیت سلامتی‌تان، دریافت درمان مناسب بدون به خطر انداختن آن با نوعی بت‌پرستی دشوار خواهد بود. پولس گفت که جانش را به خطر انداخته است. او در کنار او خدمت کرده است.

بیماری او تقریباً او را کشت، اما این گزارش ستایش است. شاید تا زمانی که داستانی را که همین الان برایتان تعریف کردم، برایتان تعریف نکرده باشم، احساس من را هنگام خواندن آن سطر درک نکنید، و اینکه خدا به ایپارودیتوس رحم کرد. آنها دعا کردند و خدا مداخله کرد.

آنها از خدا خواستند که در زندگی این سرباز وفادار مداخله کند و خدا خود را جلال داد. کلیسا باید بداند که این مرد نه تنها آماده بود تا جان خود را در اطاعت از آرمان مسیح فدا کند، بلکه خدا آماده بود تا در مهمترین لحظه به او ایمان بیاورد. خدا او را ترک نکرده بود.

این به آن معنا نیست که مسیحیان دوران سختی را پشت سر نخواهند گذاشت. منظور من این نیست، بلکه منظورم این است که آنچه پولس توجه ما را به آن جلب می‌کند، دشوارترین وضعیت کار تبلیغی مسیحی است، جایی که جهان این فرصت را خواهد داشت که خدایی را که ما به آن ایمان داریم، مسخره کند. خداوند به رفیق وفادارش، ایپارودیتوس، رحم کرد.

به این فکر کنید - یک کار اطاعت. گاهی اوقات، یک کار اطاعت ممکن است به چیزهای دشواری در زندگی منجر شود.

مسیح هرگز به ما وعده مسیحیت بدون رنج را نداد. در واقع، این پولس بود که گفت کسانی که می‌خواهند پیرو مسیح باشند باید برای رنج کشیدن آماده باشند. رنج بخشی از داستان ماست، اما خداوند در مواقع دشوار نیز مداخله می‌کند.

و بنابراین، خدا غایب نیست. من به همین دلیل وقتی به این موضوع فکر می‌کنم، مزمور ۲۳ آیه ۴ را دوست دارم، که می‌گوید، اگرچه در دره سایه مرگ قدم می‌زنم، بله، وقتی که سخت‌ترین دوران زندگی‌ام را می‌گذرانم، از هیچ بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی. نه اینکه ممکن است دوران سختی را پشت سر نگذارم، اما در سخت‌ترین دورانم، حضور تو با من است.

این تسلی است. گاهی اوقات، او به طرز معجزه آسایی مداخله می‌کند. پولس می‌گوید خدا به او رحم کرد.

مداخله الهی بزرگی را نشان بده. و او ادامه می‌دهد و می‌گوید، برای این مرد، او قرار است به سمت تو بیاید، و من می‌خواهم که تو با آغوش باز از او استقبال کنی. او مانند یک سرباز زخمی به سمت تو می‌آید.

او در تمام نبردها جنگید. او برای انجیل جنگید. او برای زندگی خود جنگید، همه اینها در اطاعت از مسیح بود.

و او دارد پیش شما می‌آید. او با نامه‌ای از من می‌آید. لطفاً او را بپذیرید.

فقط تصور کنید که شما حامل نامه هستید. می‌دانید که این حرف‌ها درباره شما زده شده است. این داستان واقعی درباره شماست، اما در عین حال درباره شما هم گفته شده است.

و شما آن را به کلیسای می‌دهید که شما را به خوبی می‌شناسد. تصور کنید که نگرش و روحیه شما چگونه خواهد بود. تصور کنید که کلیسا چه زمانی این نامه را دریافت خواهد کرد و چگونه به شما واکنش نشان خواهد داد و چگونه به شما پاسخ خواهد داد.

اما پولس هیچ چیز را بدیهی نمی‌پندارد. او همچنان می‌خواهد از آنها بخواهد که از این مرد استقبال کنند. او باید با شادی کامل در خداوند پذیرفته شود.

با کمال میل. زیرا او شایسته‌ی استقبال افتخارآمیز است. او با افتخار در ارتش خدمت کرد، که افتخارآمیز است و یک خدمت افتخارآمیز محسوب می‌شود.

اگر بخواهم از زبان پولس بگویم، می‌گویم که این مرد، اپافرودیتوس، مرد شریفی است. او شایسته‌ی استقبال گرم و صمیمانه است. او در حال بازگشت است.

او همچون سربازی با زخم‌هایی برای نشان دادن، بازمی‌گردد. او همچون کسی بازمی‌گردد که با جانفش قمار کرده است. در واقع، آیه ۲۹ می‌گوید، پس او را در خداوند با شادی و افتخار تمام بپذیرید.

و به چنین مردانی احترام بگذارید، زیرا او نزدیک بود برای کار مسیح بمیرد. پولس در آیه 30 می‌نویسد: «شما باید بدانید که او جان خود را به خطر انداخت تا آنچه را که در خدمت شما کم بود، تکمیل کند.» بنابراین او فصل دوم را اینگونه به پایان می‌رساند: «من شما را به وحدت فرا می‌خوانم و از شما می‌خواهم که این طرز فکر را داشته باشید که بتوانید این وحدت را حفظ کنید».

مسیح الگویی از آن طرز فکر است. این طرز فکر، طرز فکری مبتنی بر فروتنی و اطاعت است. او در ادامه می‌گوید: «می‌خواهم که شما در نافرمانی گام بردارید و نجات خود را با ترس و لرز به کار گیرید».

نمونه‌ای از این، نشان دادن رفتاری است که شایسته‌ی کسانی است که نام خداوند را می‌خوانند. بگذارید نمونه‌ای از افرادی را که دقیقاً همین کار را کرده‌اند به شما نشان دهم. او به شما نشان می‌دهد، تیموتائوس

و در ابتدای این سخنرانی، او اپافرودیتوس را به شما نشان می‌دهد. آنها با اطاعت راه می‌رفتند و آماده بودند تا جان خود را فدا کنند و دوشادوش پولس کار کنند. این ما را به فصل سوم می‌رساند، جایی که پولس در واقع قرار است برخی از اظهاراتی را که قبلاً در مقدمه به شما اشاره کردم، بیان کند که سوالاتی را برای محققان ایجاد خواهد کرد.

فصل سوم به سرعت دنبال این خواهد آمد تا در نهایت بگویم، برادران من در خداوند شادمان هستند که همین مطالب را برای شما می‌نویسند. این برای من مشکلی ندارد. و برای شما امن است.

و برای شما امن است. به یاد داشته باشید که آیه قبل از آن، او در واقع از آنها در دو آیه اول قبل از آن درخواست می‌کند؛ او از آنها می‌خواهد که اپافرودیتوس را با کمال شادی بپذیرند. اکنون، او می‌گوید که از آنها می‌خواهد که در خداوند شادی کنند.

و سپس در آیه دوم می‌گوید، مراقب سگ‌ها باشید. و سپس در مورد برخی چیزها به آنها هشدار می‌دهید. و او خواهد گفت، می‌دانید اگر ما در مورد افرادی صحبت می‌کنیم که چیزهایی برای افتخار در جسم دارند و باعث مشکلات و از این قبیل می‌شوند، چه می‌شود؟

حالا می‌خواهم یک مثال دیگر برایتان بزنم. مثال دیگر من، پاول، خواهم بود، نه من، دارکو، پاول. پاول خودش را به عنوان یک مثال دیگر برای آنها نشان خواهد داد تا از او پیروی کنند.

اما قبل از اینکه به جزئیات پردازیم، بیایید به برخی از مسائل اساسی که در ابتدای فصل سوم مطرح شده‌اند، پردازیم. فصل سوم با یک عبارت گذار آغاز می‌شود که اغلب به صورت «بالاخره» ترجمه می‌شود در آن مورد خاص، نباید بگوییم عبارت گذار، زیرا برخی معتقدند که ممکن است این عبارت، عبارت گذار نباشد.

مسئله اصلی در اینجا کلمه‌ای است که ترجمه می‌شود؛ کلمه یونانی به معنای واقعی کلمه به عنوان بقیه به معنای نتیجه‌گیری ترجمه finally باقیمانده یا دیگری ترجمه می‌شود. در واقع می‌توانید آن را به عنوان کنید. یا می‌توانید آن را از این به بعد نیز ترجمه کنید تا نشان دهد که ما اکنون هستیم؛ ما فقط مکث می‌کنیم و قرار است از اینجا به بعد ادامه دهیم.

به نظر من، شاید خوب باشد که واقعاً آن عبارت خاص را بخوانید. آن دو کلمه به عنوان یک گذار یا رشته‌ای هستند که پایان فصل دوم را به ابتدای فصل اول، فصل سوم، پیوند می‌دهد. و من دلیلش را برای شما توضیح خواهم داد. زیرا کسانی که می‌گویند باید آن را بالاخره ترجمه کنیم، نه همه آنها، بلکه برخی از آنها کسانی هستند که استدلال می‌کنند فیلیپیان در واقع دو حرف است.

این زمانی بود که پولس بالاخره گفت که نامه را در آیه اول از فصل سوم به پایان رسانده است. و بنابراین فصل سوم، آیه دوم، نامه‌ای کاملاً متفاوت را آغاز می‌کند. من تمایل دارم خلاف این را استدلال کنم همانطور که در مقدمه از من شنیدید.

بنابراین اجازه دهید فقط به نکاتی اشاره کنم که اگر مقدمه فیلیپیان را فراموش کرده‌اید، من سریعاً مطرح کردم. توجه شما را به این واقعیت جلب می‌کنم که انتقال ناگهانی بین آیه اول از فصل سوم و آیه دوم از فصل سوم اغلب به عنوان مدرکی مبنی بر اینکه اینها دو حرف با یک پارتیشن هستند، ذکر می‌شود. و کسانی که این استدلال را مطرح می‌کنند، به یک مورخ بزرگ کلیسا، اسقف اسمیرنا، در ترکیه امروزی، اشاره می‌کنند.

در زمانی که پولس، که در واقع معاصر یوحنا بود، پولیکارپ نوشته بود که از نامه‌های پولس به فیلیپی، اطلاع دارد و از حروف جمع استفاده کرده است. بنابراین کسانی که این استدلال را مطرح می‌کنند می‌گویند اوه، در واقع، فصل سوم، آیه اول قرار است در نهایت ترجمه شود تا بگوید که به پایان می‌رسد، و سپس سوم، آیه دوم، نامه دیگری را ادامه می‌دهد، و کسی آنها را کنار هم قرار می‌دهد. پولیکارپ می‌داند که اینها دو نامه هستند، و به همین دلیل است که فیلیپیان یک نامه نیست.

فکر می‌کنم این استدلال در گذشته، شاید حدود ۱۰ سال پیش، در تفسیرهایی که بر رساله فیلیپیان خوانده‌ام، مطرح شده است. محققان سعی می‌کنند بیشتر و بیشتر از این استدلال فاصله بگیرند. اما باید بگوییم که تعداد کمی از آنها هنوز کوتاه نمی‌آیند. دوست دارم از قول ان. تی. رایت بگویم که لیبرال‌ها دیگر فکر نمی‌کنند.

بعضی‌ها فقط می‌خواهند کتاب مقدس را بی‌اعتبار کنند، و بنابراین حتی اگر استدلالی نداشته باشند، باز هم می‌خواهند به هر نحوی صدایشان شنیده شود. اما می‌خواهید بدانید که استدلالی که من در مقدمه فیلیپیان به شما ارائه دادم، هنوز در این زمینه پابرجاست. هیچ مدرک داخلی وجود ندارد که نشان دهد چیزی برای شما ارائه شده است. کامل کردن این آزمون به کار گرفته شده است.

هیچ مدرک واقعی برای تأیید این وجود ندارد که دو حرف وجود دارند که در هر زمانی به موازات هم حرکت می‌کنند و در یک نقطه به هم پیوسته‌اند. نظریه‌ای که خواستار جداسازی است، در واقع با آنچه ما در مورد آنچه در نقد کاهش رشته خود می‌نامیم، می‌دانیم، در تضاد است، جایی که ما در مورد چگونگی مشاهده نحوه ویرایش یک ویراستار و کنار هم قرار دادن آنها صحبت می‌کنیم. آنچه در واقع در این آزمون اتفاق می‌افتد، اگر دقیق باشد، این است که ویراستار قرار است همه چیز را هموار کند و آن را به همان شکلی که هست رها نکند.

اما این اتفاقی نبود که افتاد. اکنون می‌دانیم که در دنیای باستان یک مکانیسم بلاغی وجود داشته که در آن چنین انتقال‌هایی می‌توانست برای بیان یک نکته انجام شود. به همین دلیل است که من معتقدم چه آن را بالاخره ترجمه کنیم و چه از این پس برای شروع فصل ۳ آیه ۱، باید به فصل ۳ آیه ۱ به عنوان رشته‌ای نگاه کنیم که پایان فصل ۲ را به ابتدای فصل ۳ متصل می‌کند. و وقتی پولس تغییر می‌کند، با لحنی بسیار تند ظاهر می‌شود.

بله، با ابتدای نامه متفاوت است، اما غیرمعمول نیست زیرا پولس قصد دارد با یک نیروی بلاغی قوی توجه را جلب کند. و بگذارید به انگلیسی به شما نشان دهم، و دوباره از اینکه یک کلمه یونانی دیگر را در کنار آن قرار داده‌ام عذرخواهی می‌کنم، اما می‌خواهم مطمئن شوم که آن را به انگلیسی می‌بینیم. کلمه مورد نظر، باشد look out یا watch out، behold می‌تواند به صورت

به صورت مراقب سگ‌ها باشید، مراقب بدکاران باشید، مراقب کسانی باشید که گوشت را مثله ESV ترجمه می‌کنند. پولس آیه ۲ را اینگونه آغاز می‌کند. پس از اینکه او تمام حس وحدت، اطاعت و همه اینها را داشت، به شدت احساس می‌کند که باید هشدار جدی صادر کند. یونانی، اگر یونانی را بخوانید و آنچه را که من روی تخته نوشته‌ام ببینید، می‌بینید که چگونه قافیه دارد.

را ترجمه می‌کنند، کنار هم قرار گرفته‌اند و چگونه کلمات lookout می‌بینید که چگونه افعال امری که کلمه دیگر برای سگ‌ها، برای بدکاران و برای مثله کردن با یک حرف ظاهر می‌شوند. و تقریباً هم قافیه است. این یک نیروی بلاغی قوی در یونانی است که او برای کلیسا مطرح می‌کند تا در این فراخوان به هوشیاری برخیزد.

در دعوت پولس به هوشیاری، او در واقع توجه کلیسا را به این تهدیدهای بالقوه جلب خواهد کرد. این، تهدیدهای بالقوه می‌توانند این مبلغان یهودی دوره‌گرد باشند که در حال تبلیغ اعمال شریعت مانند ختنه روز سبت، رعایت کل قوانین موسی و موارد دیگر هستند که می‌دانیم بزرگترین مشکل پولس هستند. پولس خود را به عنوان رسولی برای غیریهودیان توصیف می‌کند.

او فراخوانده شده است تا انجیل را با غیریهودیان به اشتراک بگذارد. اما مشکل اینجا چیست؟ مشکل این است. مسیحیت به عنوان یک جنبش یهودی آغاز شد.

عیسی یهودی بود. بیشتر پیروان اولیه یهودی بودند. عیسی تصمیم گرفت همه پیروان یهودی را فرا بخواند.

همه آنها ختنه شده بودند. و اگر شما یهودی بودید، شما هم چیزی می‌دانید. شما همچنین می‌دانید که وقتی درباره مسیح و همه اینها صحبت می‌کنید، یادآوری عهد خدا با قومش نیز مهم است.

همانطور که می‌دانیم، این عهد در پیدایش ۱۷ به وضوح اصلاح شد. ختنه به عنوان نشان، نشان بسیار مهمی از عهد است. چطور ممکن است کسی بیاید و بگوید مسیح آمده است؟ و آنها به مسیح ایمان بیاورند.

و آنها از مسیح پیروی می‌کنند. و نیازی به ختنه شدن ندارند. منظورم این است که اگر یهودی باشید، برای برخی از یهودیان، این یک مشکل بزرگ بود.

این مشکل خود پولس در گذشته بود. اگر یادتان باشد، او از کل برنامه جنبش عیسی که در واقع از مرزها عبور می‌کرد و از این قبیل مسائل ناراحت بود. بنابراین، او هم این مشکل را داشت.

این احتمال وجود دارد که مبلغان یهودی سعی در القای این موضوع داشته‌اند. ممکن است معلمان دروغینی وجود داشته باشند که خود را با کلیسای گسترده‌تر یکی می‌دانند. موسی سیلوا در واقع فکر می‌کند که معلمان دروغینی وجود دارند که خود را با کلیسای گسترده‌تر یکی می‌دانند.

فرصتی پیش می‌آید؛ آنها می‌خواهند به کلیسا بیایند و ببینند در فیلیپی چه کاری می‌توانند انجام دهند، زیرا ما در آنجا پایگاه یهودی قوی در شهر نداریم. با این حال، آنچه واضح است این است که پولس علیه یهودیت، یا شریعت‌گرایی یهودی بحث و جدل نمی‌کند، بلکه نگرانی اصلی او تهدید بالقوه علیه کلیسا است. بنابراین، بیایید به آیه ۲ برویم و دوباره به دستورالعمل پولس در آنجا نگاه کنیم.

و من می‌خوانم، مراقب سگ‌ها باشید. مراقب بدکاران باشید. مراقب کسانی باشید که گوشت را مثله می‌کنند.

مراقب سگ‌ها باشید. وای. اگر شما هم سگ‌خانی دارید، احتمالاً گفته‌اید، وای، من سگم را دوست دارم.

اما صبر کنید، روشی که پولس در اینجا از سگ استفاده می‌کند، تعارف نیست. پس، در مورد آن فکر کنید. مراقب عوامل شرور باشید.

مراقب باشید، هوشیار باشید. و همینطور که ادامه می‌دهید، مراقب مثله کردن باشید. و احتمالاً متوجه خواهید شد که من آن را مثله کردن می‌نامم، اگرچه کتاب مقدس شما می‌گوید مثله‌کنندگان جسم، زیرا کلمه یونانی در واقع مثله کردن است.

این برای بازی لفظی با کسانی است که می‌آیند و بر ختنه تأکید می‌کنند. و پولس سعی دارد بگوید، می‌دانید چیست، آنچه آنها واقعاً هستند این است که پوست ختنه‌گاه مردم را می‌برند، گوشت را مثله می‌کنند. آنها مثله می‌کنند.

آن زبان چیزی است که او آن را برمی‌گرداند، و ما آن را به انگلیسی برمی‌گردانیم تا معنی آن را بفهمیم و کلمه جسم «را به آن اضافه می‌کنیم تا برای خواننده انگلیسی معنی داشته باشد. زیرا اگر اینطور نباشد، آیات» بعدی معنی نخواهند داشت. اما بگذارید فقط سعی کنم توضیح دهم که این دعوت به هوشیاری مستلزم چیست، به خصوص با توجه به آنچه پولس در اینجا سعی در گفتن آن دارد.

مراقب چه سگ‌هایی باشیم؟ این اصطلاح تعریف و تمجید نیست. این اصطلاح، تحقیر است. با سگ‌ها با انزجار رفتار می‌شد و گاهی اوقات آنها را به عنوان لاشخور می‌دیدند.

مثل سگ‌ها، این چهار بخیه احتمالاً جایی که نمی‌خواهند، مزاحم می‌شوند. مفهوم باستانی سگ‌ها با مفهوم ما از سگ‌ها در جهان، در دنیای غرب، باید بگویم، نباید بگویم در دنیای امروز، متفاوت است، زیرا من به برخی کشورها می‌روم و با سگ‌ها همانطور رفتار می‌شود که باستانیان با سگ‌ها رفتار می‌کردند. اینجا، اگر به یک فروشگاه مواد غذایی بروم، باید برخی از شگفتی‌هایم را در آمریکا، همانطور که اینجا انجام دادم، برای شما تعریف کنم.

یکی از شگفتی‌های بزرگ در اولین تجربه‌های من در آمریکا، رفتن به یک فروشگاه مواد غذایی برای خرید غلات بود. اول، به راهروی غلات رفتم و متوجه شدم که تمام راهرو پر از غلات است. بزرگترین مشکل من در آنجا کمبود غلات نبود، بلکه انتخاب بین آنها بود.

و بعد، وقتی داشتم در راهروی دیگری راه می‌رفتم، چیزی شبیه بسته‌بندی غلات صبحانه دیدم. و یک غرفه‌ی بزرگ دیدم که همه‌اش غذای سگ بود. به نظرم خیلی تأثیرگذار بود.

سگ‌ها در آمریکا مورد لطف و رحمت الهی هستند، اما خودشان نمی‌دانند. با سگ‌ها در دنیای باستان، در برخی مناطق آفریقا، در برخی مناطق آسیا، مانند گذشتگان رفتار می‌شود. با آنها رفتار می‌شود؛ گاهی اوقات از آنها فقط برای شکار یا نگهبانی از خانه استفاده می‌کنند، بنابراین آنها را آموزش می‌دهند تا مردم را بترسانند یا سعی کنند کسی را که می‌خواهد وارد خانه‌ای شود، گاز بگیرند، اما آنها هرگز آن نقش مکمل را ندارند.

یکی از تصاویر مرتبط با سگ‌ها، توانایی و تمایل آنها برای ورود به فضاهایی است که شما نمی‌خواهید. آنها خودشان می‌آیند. این با نحوه آموزش سگ‌ها در آمریکا و نحوه دوست داشتن ما توسط آنها، صرف نظر از هر چیز، بسیار متفاوت است.

آنها همیشه با لطف و مهربانی از ما استقبال می‌کنند. این یک مفهوم کاملاً متفاوت است. بنابراین، در اینجا با این اصطلاحات به سگ‌ها فکر کنید.

پولس می‌گوید کسانی که می‌آیند تا این آموزه‌های نادرست و این عنصر یهودی‌سازی را بیاورند، در واقع سگ هستند. می‌خواهم که شما مراقب آنها باشید. هوشیار باشید.

مراقب باشید. بگذارید فقط تصویر سگ‌ها را در یک مزموور خاص به شما نشان دهم. مثال‌های زیادی نمی‌زنم.

به طور خاص، در مزموور ۵۹، مفهوم تصویر سگ را در آنجا می‌بینید. آنها هر شب می‌آیند. این به دشمنان و بدکاران اشاره دارد.

آنها برمی‌گردند، مثل سگ زوزه می‌کشند و در شهر پرسه می‌زنند. آیا تصویری از سگ‌ها به ذهنتان می‌رسد؟ تصویر دیگری را در همان مزموور به شما نشان خواهم داد - آیات ۱۴ و ۱۵.

هر عصر، آنها برمی‌گردند. همان صاف، مثل سگ‌ها زوزه می‌کشند و در شهر پرسه می‌زنند. آنها برای غذا پرسه می‌زنند و اگر سیر نشوند، غرغر می‌کنند.

می‌دونی، من یواشکی آیه ۱۶ رو آوردم اونجا چون ازش خوشم میاد. چون این طوری شیرین میان، مثل سگ‌ها. اما آیه ۱۶ می‌گه، اما من از قدرت تو خواهم خواند.

صبحگاهان با صدای بلند از عشق پایدار تو خواهم سرود، زیرا تو برای من دژ و پناهگاهی در روز تنگی بوده‌ای. مفهوم سگ‌هایی که وقتی انتظارشان را نداری، می‌آیند.

از آن سگ‌ها برحذر باشید. پولس می‌گوید، مراقب این مزاحمان خطرناک باشید. و سپس به کارگران شرور اشاره کرد، شاید به انگیزه شیطانی آنها اشاره داشته باشد.

، یا می‌تواند ترکیبی از انگیزه شیطانی آنها و نتیجه این انگیزه هنگام به کار افتادن آن باشد. آنها شرور هستند که نشان می‌دهد اینها ممکن است افرادی نباشند که خودی باشند. اینها مردم هستند، پولس. وقتی پولس به مردم برجسب شیطانی می‌زند، در واقع می‌خواهد آنها را به شدت اهریمنی جلوه دهد.

اینها نمی‌توانستند کسانی باشند که او به آنها اشاره می‌کرد، بخشی از افرادی که او به عنوان برادران و خواهران در کلیسا از آنها یاد می‌کرد. پولس گفت که باید از این افراد بیگانه که با این آموزه‌ها وارد می‌شوند تا مشکل ایجاد کنند، آگاه باشید. در برابر آنها یک دیوار دفاعی بسازید.

دیوار آتش باید ریشه در اطاعت داشته باشد. به زودی، او موضوعی را که در آزمون مسیح یا سرودی که در فصل دوم به آن اشاره کردیم، مطرح کرد، نیز انتخاب خواهد کرد: حس فروتنی به جای غرور. او گفت، مراقب آنها باشید.

چون آنها مثله می‌کنند، می‌بینید، آنها یک دستور کار دارند. آنها فکر می‌کنند ختنه برای اینکه مردم جایگاه خود را در مسیح پیدا کنند، ضروری است.

پولس از آنها به خاطر این کار انتقاد خواهد کرد و خواهد گفت که این کار درستی نیست. جسم آنها چیزی نیست که خدا به دنبال آن باشد. در واقع، پیام پولس به غیریهودیان و انجیل عیسی مسیح به غیریهودیان بیانگر این واقعیت است که اگر ختنه لازم باشد، ختنه قلب خواهد بود و نه ختنه جسم.

پولس در ادامه نکته‌ای را مطرح خواهد کرد. و من آن را خواندم. از آیه سوم برحذر باشید، زیرا ما مختون هستیم.

آنها مثله‌کنندگان جسم هستند. ما در واقع ختنه‌شده‌ی حقیقی هستیم. کسانی که به روح خدا عبادت می‌کنند و به مسیح عیسی فخر می‌کنند و به جسم اعتماد ندارند.

ما ختنه‌شدگان حقیقی هستیم. آنها مثله‌کنندگان جسم هستند. آیا متوجه هستید که پولس اینجا چه می‌کند؟ او با استفاده از الگوهای بلاغی، آنها را به بدترین شکل ممکن متهم می‌کند.

می‌بینید، ختنه واقعی، پرستش خدا توسط روح خداست. این مفهوم ممکن است برای شما خیلی معنی نداشته باشد تا زمانی که به این فکر کنید که کلیسای اولیه چقدر مجبور بود با برخی از این مسائل مربوط به ختنه دست و پنجه نرم کند. در کتاب اعمال رسولان، فصل ۱۰ و فصل ۱۱، پطرس رؤیایی دید و به خانه کرنلیوس رفت.

و خود پطرس هم اکراه داشت. پطرس هم از این واقعیت که خدا او را نزد غیریهودیان بفرستد، اکراه داشت. هرچند خدا از به اشتراک گذاشتن پیام انجیل می‌ترسید. اما در عوض، پطرس این نتیجه را ارائه می‌دهد.

می‌دانید، خدا روح خود را بر آنها ریخته است، همانطور که برای ما ریخته است. به عبارت دیگر، حضور قدرت روح آشکار است که خدا در میان آنها در حال کار است. ما وضعیت دیگری داریم که مسائلی را به شورای اورشلیم ارسال خواهد کرد و من دوست دارم در مورد آن بخوانم.

و پس از بحث و جدل بسیار، پطرس برخاست و به این پرسش پرداخت که با این غیریهودیان چه کنیم؟ پطرس برخاست و به ایشان گفت، ای برادران، شما می‌دانید که در روزهای نخست، خدا از میان شما

برگزید. اینکه از زبان من، غیریهودیان کلام انجیل را بشنوند. و به خدایی که از دلها آگاه است ایمان آورید، با دادن روح القدس به ایشان، همانطور که به ما داد، به ایشان نیز گواهی داد.

و او هیچ فرقی بین ما و ایشان نگذاشت، بلکه دل‌های ایشان را به ایمان پاک گردانید. پس حال، چرا خدا را می‌آزمایید و یوغی بر گردن شاگردان می‌گذارید که نه پدران ما و نه ما توان تحمل آن را نداشتیم؟ بلکه ما ایمان داریم که به فیض خداوند عیسی نجات خواهیم یافت. ایشان به فیض خداوند عیسی نجات خواهند یافت.

همانطور که ما متوجه شدیم، نکته‌ای که پطرس در اینجا در اعمال رسولان مطرح می‌کند، همانطور که لوقا آن را ثبت می‌کند، این است که حضور روح القدس در اینجا در کتاب اعمال رسولان در واقع گواهی بر این است که خداوند نجات خود را برای غیریهودیان نیز قابل دسترسی قرار داده است. غیریهودیان نیز شامل این امر می‌شوند.

منظور پولس این است که ما، ختنه شدگان حقیقی، خطاب به جماعت غیریهودی، که عمدتاً در فیلیپی مستقر هستند، ختنه حقیقی را می‌پرستیم که آنها به واسطه روح خدا می‌پرستند. آنها همچنین به ختنه، به اطاعت از شریعت، به هیچ چیز دیگری که یهودیان احتمالاً آشکار می‌کنند، افتخار نمی‌کنند، بلکه به مسیح عیسی می‌بالند. و ختنه حقیقی، کلمه یونانی «متقاعد شده» است که بیان آن به انگلیسی دشوار است.

و بنابراین، مترجمان ترجیح می‌دهند از کلمه اعتماد به نفس استفاده کنند. آنها توسط جسم متقاعد نشده‌اند. آنها متقاعد نشده‌اند که جسم چیزی است که واقعاً می‌توان به آن دامن زد یا به آن افتخار کرد. زیرا جسم تا حدی سستی و ضعف دارد.

کسانی که ختنه حقیقی شده‌اند، ابتدا به روح خدا پرستش می‌کنند. آنها به عیسی مسیح افتخار می‌کنند و به جسم خود اعتماد ندارند. وای.

ببینید پولس اینجا چه می‌کند. و من بخش مهمی از الهیات پولس را به شما یادآوری می‌کنم، و آن این است که کسانی که روح خدا در آنها در جریان است، متعلق به جامعه خدا هستند. در واقع، چیزی وجود دارد که او آن را رفاقت روح می‌نامد، زمانی که فرزندان خدا در اطاعت از خدا با هم کار می‌کنند.

و او اغلب این را با عمل نفس که شما را متهم می‌کند، مقایسه می‌کند. به عنوان مثال، من یکی از آن مثال‌ها را در غلاطیان برای شما می‌زنم که در آن پولس می‌گوید، اما من می‌گویم، به روح رفتار کنید، و خواسته‌های نفس را برآورده نخواهید کرد. زیرا خواسته‌های نفس بر خلاف روح است و خواسته‌های روح بر خلاف نفس است.

زیرا اینها با یکدیگر در تضادند و شما را از انجام کارهایی که می‌خواهید انجام دهید، باز می‌دارند. اما اگر از روح هدایت شوید، زیر شریعت نیستید.

اکنون، اعمال نفس آشکار است. فساد جنسی، ناپاکی، شهوت‌رانی، بت‌پرستی، جادوگری، دشمنی، نزاع، حسادت، خشم، رقابت، نفاق، تفرقه، حسادت، مستی، عیاشی و همه چیزهایی از این قبیل. همانطور که قبلاً به شما هشدار دادم، به شما هشدار می‌دهم که کسانی که رؤیا می‌بینند، پادشاهی خدا را به ارث نخواهند برد.

اما به تضاد اینجا نگاه کنید، ۲۲. اما ثمره روح، کسانی که روح در آنها کار می‌کند، به طور طبیعی این میوه را به بار می‌آورند. ثمره روح، عشق، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکی، وفاداری، فروتنی و خویشترداری است.

هیچ قانونی علیه رؤیت وجود ندارد. و کسانی که به مسیح عیسی تعلق دارند، جسم را با هوس‌ها و امیال‌ش مصلوب کرده‌اند. پولس با بازگشت به فیلیپیان می‌گوید، زیرا ما ختنه شدگان هستیم که به روح عبادت می‌کنیم.

بله. و جلال در مسیح. بله.

و به جسم اعتماد نکنید. همانطور که فرانک تیلن بیان خواهد کرد، منظور پولس در آیه ۳ این است که این زمان فرا رسیده است و ختنه قلب شرط اساسی برای ورود به قوم خدا در عصر جدید است. ختنه جسمی اهمیتی ندارد.

وای. در این چارچوب، و با این یادداشت، پولس اظهارات بسیار مهمی را بیان می‌کند: مثله کردن، سگ‌ها، و جلال و شکوه در جسم آنها.

اما در آیه ۴، پولس می‌گوید، اگرچه من خودم دلیلی برای اعتماد به نفس دارم. اگر کسی دیگر فکر می‌کند که دلیلی برای اعتماد به نفس دارد، من بیشتر دارم. ختنه شده در روز هشتم از قوم اسرائیل، از قبیل بن شبات، عبرانی از عبرانیان، از نظر شریعت، فریسی، از نظر غیرت، آزار دهنده کلیسا، از نظر عدالت تحت شریعت، بی‌عیب و نقص.

اما هر سودی که داشتیم، آن را به خاطر مسیح ضرر دانستم. در واقع، من همه چیز را ضرر می‌دانم. وای!

حالا پولس می‌گوید، به جای این سگ‌ها و مثله‌کنندگان، به جای این کارگران شرور، ختنه‌شده‌های واقعی، رابطه‌ی محکمی با خدا دارند، و در واقع، آنها به مسیح عیسی افتخار می‌کنند، آنها به روح عبادت می‌کنند، آنها هیچ اعتمادی به جسم ندارند، اما ضمناً، اگر کسی آمد و به شما گفت که آنها به جسم اعتماد دارند، به او یادآوری کنید که پولس اعتماد بیشتری دارد. و حالا پولس در ادامه اعتبارنامه‌های خود را ارائه می‌دهد. پولس می‌گفت که چیزی برای افتخار کردن دارد.

در واقع، او از بدو تولد امتیازاتی دریافت کرده است. چیزهایی به او داده شده که باید به او زمینه‌ای برای فخر کردن بدهد، اما او در جسم فخر نخواهد کرد. و امتیازات و چیزهایی وجود دارد که او از طریق تربیت به دست آورده است.

او باید هر دلیلی برای افتخار به آنها داشته باشد، اما این کار را نخواهد کرد. او گفت که من در روز هشتم ختنه شدم. این رسم یهود است و این پیمان ابراهیمی است که یک یهودی باید در روز هشتم ختنه شود.

اما در این زمان، زمانی که یهودیان در همه جا پراکنده بودند، و نفوذ غیریهودیان و از این قبیل چیزها بسیار زیاد بود، هیچ تضمینی وجود نداشت که یک یهودی ختنه شود. تلاشی برای ختنه آنها صورت خواهد گرفت، اما نه لزوماً در روز هشتم. پولس می‌گوید، در مورد من، والدین این کار را درست انجام دادند.

من به فرایض یا شروطی که عهد با خدا را اصلاح می‌کنند، عمل می‌کنم. من در روز هشتم ختنه شدم. من آن شرط را برآورده کردم.

می‌توانم به این ببالم. اما به آن نمی‌بالم. من یک یهودی هستم، یک عبرانی عبرانی.

وای. این عبارت ما را به فکر فرو می‌برد. منظور پولس از اینکه می‌گوید من یک عبری از عبری‌ها هستم چیست؟ آیا در شرایطی که اکثر یهودیان به زبان آرامی صحبت می‌کنند، منظور او این است که او عبری را با لهجه عبری صحبت می‌کند؟ یا اینکه او می‌گوید که طبق همه معیارها یک یهودی اصیل است، و به عبارت دیگر، او از طبقه‌ای می‌آید که باید برجسته باشد تا بگوید هیچ شکی نیست که این شخص یک یهودی واقعی است؟

محققان می‌توانند آن را به روش دیگری تفسیر کنند، اما چیزی که واضح است این است. وقتی او می‌گوید من، یک عبری عبرانیان هستم، شکی نیست. این مرد می‌گوید که من تمام ادعاهای مربوط به عنوان و جایگاه، هویت ملی و هویت مذهبی به عنوان یک عبری را دارم.

و ضمناً، من عبری را با لهجه عبری صحبت می‌کنم. من از تجربه شما و اینکه در کجای این سخنرانی‌ها ما را دنبال می‌کنید، اطلاعی ندارم. اگر در انگلستان زندگی می‌کنید، با من موافقت کنید که انگلیسی ملکه استاندارد است.

اگر کسی به زبان کاکنی صحبت کند، در واقع ما آن شخص را به عنوان فردی بی‌سواد و بی‌فرهنگ نادیده می‌گیریم. در فرهنگی که نمی‌خواهیم بپذیریم، اما هست، هنوز سیستم طبقاتی اشرافی وجود دارد و اینکه چه چیزی به چه چیزی دسترسی می‌دهد. صحبت کردن به زبان انگلیسی با لهجه ملکه چیز فوق‌العاده‌ای است.

پولس بهتر از این بود. او یک یهودی واقعی بود که به زبان عبری صحبت می‌کرد، شاید با لهجه اصیل و واضح عبری. او چیزی برای افتخار کردن دارد.

اگر کسی به شما نگفته باشد که لهجه‌تان مشکل دارد، ممکن است از این موضوع قدردانی نکنید. با دنبال کردن این سخنرانی‌ها، احتمالاً متوجه شده‌اید که لهجه من تا حدودی مشکل‌ساز است. از اینکه توجه من را به این موضوع جلب کردید، متشکرم.

امیدوارم که به هر حال این سخنرانی را دنبال کنید. چون من دائماً، حتی در کشور خودم، به یاد این می‌افتم که لهجه دارم. خب، پولس وقتی عبری صحبت می‌کند لهجه ندارد.

او می‌توانست به این موضوع ببالد. او گفت که به دلیل امتیازاتی که واقعاً دریافت کرده است، از قبيله بنیامین، یک قبيله بسیار مهم، می‌آید. این قبيله زمينه‌ای برای کسی که از آنجا می‌آید، فراهم می‌کند تا به خود ببالد.

اگر اهل نیجریه هستید و می‌گویید که من ایگبو هستم، و گاهی اوقات این را با افتخار می‌گویید، بسته به اینکه با چه گروه‌های قبيله‌ای دیگری سر و کار دارید. اگر اهل غنا هستید، جایی که من از آنجا آمده‌ام، و می‌گویم نام من دارکون است، و اگر متوجه نمی‌شوید، من یک آکان هستم، من به روشنی می‌گویم که از قبيله‌ای پاک، آراسته و محترم آمده‌ام، و برای جلب توجه شما، مثلاً، باید به من احترام بگذارید. ضمناً، من اولین کسی هستم که به دوستانم می‌گویم اگر پاول جای ما بود، این را مزخرف می‌دانست.

اما نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که در سرزمین آزادی و خانه‌ی شجاعان، که آمریکا نام دارد، ما این مشکلات را نداریم. اما اینها مشکلات واقعی هستند که من در جاهای دیگر با آنها مواجه خواهم شد. اینکه از قبيله‌تان بخواهید به عنوان نشان افتخار و غرور، محل سکونتتان را نشان دهید، حتی در دنیایی که امروز در آن زندگی می‌کنیم، امری رایج است.

پولس می گوید، اگر کسی باشد که به ریشه‌های قبیله‌ای خود ببالد، من از قبیله‌ای از بنیامین هستم. قبیله بنیامین مهم بود. و البته، من به عبرانیان عبرانیان اشاره کردم و در مورد آن توضیح دادم.

اما در مورد امتیازاتش، گفت: من فریسی هستم. این فکر را نگه دارید، چون به شما خواهم گفت که این یعنی چه. پولس گفت، اگر کسی آمد و گفت که جسارت دارد که واقعاً در انتشار انجیل حقیقی اختلال ایجاد کند، به او بگویید که شور و شوق و اشتیاق آنها هرگز با کاری که من کردم قابل مقایسه نیست.

او، همانطور که خودش از این کلمه استفاده کرد، یک آزارگر متعصب بود. آیا داستان او را در جاده دمشق می‌دانید یا به خاطر دارید؟ من هرگز از ارتباطات این مرد شگفت‌زده نمی‌شوم. به عنوان یک فریسی، کسی که در تارسوس بزرگ شده بود، این فرصت را داشت که زیر نظر خاخام غمالائیل، که او نیز خود را فریسی می‌نامد، تحصیل کند.

پولس توانست مجوز بین‌المللی برای تعقیب پیروان مسیح تا سوریه دریافت کند. او، سپس او با مسیح ملاقات کرد. سپس آن آزارگر متعصب با کسی که گفت، پولس، چرا مرا آزار می‌دهی، ملاقات کرد؟ او اتهام را به وضوح و با صدای بلند مطرح کرد.

زندگی او دگرگون شد. از این پس، او واژگان جدیدی را در زبان خود معرفی خواهد کرد، فیض. ما به واسطه فیض نجات یافته‌ایم.

پولس می‌گوید اگر کسی به کلیسای فیلیپی آمد تا در درس درست کند، به او یادآوری کنید که اگر فکر می‌کند نشان افتخاری، چیزی برای فخرفروشی وجود دارد، به او بگویید و شما باید بدانید که من یک جفاکار غیور بودم. من بیشتر از آنها کار می‌کردم. و اگر آمدند و گفتند که طبق شریعت عادل هستند، به او بگویید که من در این مورد نیز شهرت داشتم.

و من می‌توانستم به این موضوع افتخار کنم. چون تا جایی که به افرادی که من را می‌شناسند مربوط می‌شود، آنها واقعاً می‌دانستند که از نظر قانون، من عادل و بی‌عیب هستم. وای.

خب، پولس این را می‌گوید. وقتی می‌گوید از قبیله بنیامین است، می‌گوید از قبیله‌ای می‌آید که در تاریخ اسرائیل بسیار مهم است، قبیله اولین پادشاه اسرائیل. من این نقل قول از وینسنت را دوست دارم که به دهه تفسیر ۱۸۹۷ و مجموعه تفسیرهای انتقادی بین‌المللی برمی‌گردد، ۱۸۰۰.

او می‌نویسد که بنیامین پسر محبوب یعقوب بود. قبیله بنیامین اولین پادشاه خود را به اسرائیل داد. این قبیله تنها قبیله‌ای بود که در زمان جدایی یهودا تحت رهبری رحبعام به آن وفادار ماند.

بازگشت دیگری از تبعید با یهودا، هسته اصلی مستعمره جدید فلسطین، شکل گرفت. این قبیله همیشه بیشترین، متاسفم، بیشترین، مقام افتخاری را در ارتش داشت. از این رو، شعار نبرد پس از د. بنجامین

از میان دوازده پدرسالار، تنها بنیامین در سرزمین موعود متولد شد. رهایی بزرگ ملی که در جشن پوریم گرامی داشته می‌شود، به خاطر مردخای، یک بنیامینی، بود. نام خود پولس، شائول، احتمالاً از پسر قیس، پادشاه بنیامین، گرفته شده است.

با این حال، با عرض پوزش، پولس یکی از سه فریسی است که در عهد جدید از آنها نام برده شده است. دو نفر دیگر نیقودیموس و غمالائیل هستند. نویسندگان، در کنار کاتبان و انجیل‌های هم‌نوا، فریسیان را افرادی درستکار، سخت‌گیر و گاهی دورو به تصویر می‌کشند.

پولس از کسانی که ادعای عادل بودن می‌کنند و می‌گویند من فریسی بودم و هر دلیلی برای عادل بودن یا ادعای آن درجه از عدالت داشتم، انتقاد خواهد کرد. همانطور که به پایان این بحث نزدیک می‌شویم، اجازه دهید در مورد یک مورخ مشهور و آنچه او در مورد این فریسیان می‌گوید، به شما یادآوری کنم. پولس می‌گوید من آن صلاحیت را دارم که به آن ببالم. یوسفوس می‌نویسد، فریسیان، آنها با حساست زندگی می‌کنند و از غذاهای لذیذ در رژیم غذایی بیزارند و از رفتار عقل پیروی می‌کنند و آنچه را که برای آنها خوب است، انجام می‌دهند و فکر می‌کنند که باید با جدیت تلاش کنند تا عقل را که برای عمل لازم است، رعایت کنند.

آنها همچنین به افرادی مانند کسانی که سالخورده هستند، به عبارت دیگر، افراد مسن‌تر، احترام می‌گذارند و آنقدر جسور نیستند که در هیچ یک از مواردی که آنها معرفی کرده‌اند، با آنها مخالفت کنند. آنها همچنین معتقدند که ارواح دارای سختی جاودانه‌ای هستند، به رستخیز اعتقاد دارند و اینکه در زیر زمین، بسته به اینکه در این زندگی با فضیلت و شرارت زندگی کرده‌اند، پاداش یا مجازاتی وجود خواهد داشت. بنابراین اکنون به یاد دارید که چرا پولس می‌گوید که او بی‌عیب و نقص بود.

و هر آنچه که آنها در مورد پرستش الهی، ستایش و قربانی انجام می‌دهند، آنها را طبق دستورالعمل خود انجام می‌دهند، به طوری که شهرها به خاطر تمام رفتارهای فضیلت آمیزشان، چه در اعمال زندگی‌شان و چه در گفتارشان، به آنها گواهی‌های بزرگی می‌دهند. بنابراین، وقتی پولس می‌گوید، می‌دانید چیست؟ من، من یک فریسی بودم و به این موضوع افتخار نمی‌کنم. کسی شما را فریب ندهد.

خب، او دارد توجه را به این واقعیت جلب می‌کند که در دعوت به هوشیاری، شما نمی‌خواهید به همه این سگ‌ها، مثله‌کنندگان جسم و کارگران شیطانی توجه کنید، زیرا ما ختنه‌کنندگان واقعی هستیم. و اگر کسی به چیزی برای افتخار کردن اعتماد دارد، پولس می‌گوید، من بیشتر از آن دارم. بگذارید جلسه را با خواندن سخنان پولس به پایان برسانم.

آیا من خودم هم دلیلی برای اعتماد به نفس دارم؟ اگر کسی دیگر فکر می‌کند که دلیلی برای اعتماد به نفس دارد، من دلایل بیشتری دارم. ختنه شده در روز هشتم از قوم اسرائیل، از قبیله بنیامین، عبری از عبرانیان، از نظر شریعت، فریسی، از نظر غیرت، آزار دهنده کلیسا، از نظر عدالت تحت شریعت، بی‌عیب و نقص. وقتی به سخنرانی بعدی خود برگردیم، وقتی او این ادعا را مطرح می‌کند، با دقت بیشتری به این موضوع خواهیم پرداخت.

اما هر سودی که داشتم، آن را به خاطر مسیح زیان شمردم. بلکه همه چیز را به خاطر ارزش والای شناخت مسیح عیسی، خداوند خود، زیان می‌دانم. به خاطر او، همه چیز را زیان دیده‌ام و آنها را فضله شمردم تا مسیح را به دست آورم.

پولس می‌گوید که به دست آوردن مسیح، پرستش توسط روح و زیستن زندگی‌ای که شایسته انجیل است، باید آرزو، جاه‌طلبی و تلاش کلیسای فیلیپی باشد. در دعوت به هوشیاری، آنها جرأت پلک زدن ندارند زیرا تهدید واقعی است. اما در میان این تهدیدها، وقتی به اطاعت پایبند باشند و هر آنچه را که جسم تحمیل می‌کند یا می‌آورد، محکوم کنند، در نهایت برای جلال دادن خدا زندگی خواهند کرد.

از اینکه تا اینجا سخنرانی‌های ما را دنبال کردید، متشکریم. وقتی برگردیم، خواهیم دید که پولس چگونه این موضوع را بسط می‌دهد. او خود الگویی برای این مؤمنان است که باید از او پیروی کنند.

به چهار الگویی که او تاکنون ارائه داده است فکر کنید. او مسیح را به عنوان الگویی برای کلیسا ارائه داده است. او تیموتائوس را به عنوان الگویی برای کلیسا ارائه داده است.

او اپافرودیتوس را به عنوان الگویی برای کلیسا معرفی کرده است. و اکنون می‌گوید که خودش الگویی از اطاعت و آمادگی برای محکوم کردن امور نفسانی است. خدا شما را حفظ کند، و بیایید همچنان از یادگیری با هم لذت ببریم.

از اینکه با ما همراه بودید بسیار سپاسگزاریم.

، این سخنرانی دکتر دن دارکو و مجموعه سخنرانی‌های ایشان در مورد رساله‌های زندان است. این جلسه ۱۴ فراخوان به هوشیاری، فیلم‌پیان ۳: ۱-۶ است.